

تهیه کننده: بهجت افشاری



ابزارهای شناخت

کامل کردنی (نقطه چین ها):

- ۱- ما به کمک **حواس** پنج گانه با عالم طبیعت آشنا می شویم و بسیاری از موجودات **مادی** و ویژگی های آنها را می شناسیم.
- ۲- گرچه گاهی در شناخت حسی **خطا** رخ می دهد، اما این شناخت به قدری برای ما **معتبر** است که بر پایه آن در طبیعت زندگی می کنیم.
- ۳- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، که زمینه تفکر عقلی قرار می گیرد، توانایی ما در شناخت **تفاوت ها** و **تمایز های** اشیا است.
- ۴- شناخت های حسی متفاوت از اشیا، این امکان را به انسان می دهد که به کمک عقل خود از اشیا متفاوت استفاده های **مختلف** بکند.
- ۵- انسان دارای قوه ای است که با آن **تفکر و تعقل** می کند. او با کمک این قوه می تواند حقایق را درک کند که توانایی درک آن از راه **احساس** ممکن نیست.
- ۶- **عقل** با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی می تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. این نوع شناخت را که عقل با همکاری **حس** به دست می آورد. «**شناخت تجربی**» می گوئیم.
- ۷- **ارسطو** از اولین دانشمندانی است که **مبانی** علوم **تجربی** را پایه گذاری کرد.
- ۸- **ابن سینا** توضیح داد که قانون **علیت** از تجربه و آزمایش به دست نمی آید، بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه ای است.
- ۹- ، عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با تفکر و چپش استدلال، به حقایق برسد و دانش هایی را پایه گذاری کند. به این قبیل دانش ها «**شناخت عقلی**» می گوئیم. بسیاری از دانستنی های ریاضی از این قبیل هستند.
- ۱۰- دانستنی های **فلسفه** از طریق **حواس** و **تجربه** به دست نمی آیند؛ بلکه فقط از طریق **تعقل محض** می توان به آنها رسید.

۱۱- «قلب» یا «دل» یکی دیگر از ابزارهای معرفت انسان است که می تواند بی واسطه به حقایقی برسد و معرفت کسب کند. معرفتی که از این طریق به دست می «معرفت شهودی» نامیده می شود.

۱۲- معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است؛ یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی

در قلب تجلی می کند.

۱۳- یکی از ابزارهای رسیدن به معرفت، وحی است. این ابزار ویژه پیامبران است.

۱۴- یکی از شهودهای قلبی وحی الهی است. این شهود ویژه پیامبران است و خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می دهد که به آن «معارف وحیانی» می گویند.

۱۵- قرآن کریم نمونه ای از کلام الهی است که خداوند از طریق وحی بر قلب آخرین پیامبر خود نازل کرده است.

۱۶- انسان از سه ابزار برای کسب معرفت استفاده می کند: عقل و شهود و دانستیم که وحی بالاترین نوع شهود قلبی است که به پیامبران اختصاص دارد.

۱۷- انسان از چهار طریق می تواند به معرفت برسد: حس، عقل، شهود و وحی.

صحیح و غلط:

۱- معرفت شهودی یک معرفت با واسطه است. = غلط

۲- عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی می تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد. =

صحیح

۳- دانستی های فلسفه از طریق حواس و تجربه به دست می آیند و حاصل می شوند. = غلط

۴- شناخت های حسی متفاوت از اشیاء، این امکان را به انسان می دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده های مختلف بکند. = صحیح

۵- قرآن کریم نمونه ای از کلام الهی است که خداوند از طریق وحی بر قلب آخرین پیامبر خود نازل کرده است. = صحیح

۶- چون گاهی در شناخت حسی خطا رخ می دهد، پس این شناخت برای ما معتبر نیست. = غلط

۷- ارسطو توضیح داد که قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی آید، بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه ای است. = غلط

۸- انسان از سه طریق می تواند به معرفت برسد: عقل، شهود و وحی. = غلط

کشف ارتباط:

کدامیک از گزینه های ستون «ب» به گزینه های ستون «الف» مربوط است؟

«الف» {سؤالات}	«ب» {پاسخ‌ها}
۱- برترین شهود	معرفت شهودی=۳
۲- قرآن کریم بهترین نمونه برای ان است.	قانون علیت=۵
۳- معرفتی که از طریق دا حاصل شود	شناخت تفاوت ها و تمایز هاست=۸
۴- دانستنی های ریاضی از این ابزار شناخت استفاده می کنند.	معارف و حیانی=۲
۵- پایه و اساس هر تجربه ای است.	شناخت تجربی=۷
۶- مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد.	وحی الهی=۱
۷- شناختی که از همکاری عقل با حس به دست می آید.	عقل=۴
۸- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی	ارسطو=۶

سوالات تشریحی:

۱- در وجود انسان چه ابزارهایی برای شناخت وجود دارد؟

۱- حس، ۲- عقل، ۳- شهود ۴- وحی.

۲- نقش حس در شناخت انسان را بنویسید.

یکی از ابزارهای شناخت ما حس است. ما به کمک حواس پنج گانه با عالم طبیعت آشنا می شویم و بسیاری از موجودات و ویژگی های آنها را می شناسیم. گرچه گاهی در شناخت حسی خطا رخ می دهد، اما این شناخت به قدری برای ما معتبر است که بر پایه آن زندگی می کنیم و از اشیای طبیعی بهره می بریم. و نیازهایمان را برطرف می سازیم.

۳- یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، چیست و چه کمکی به انسان می کند؟

یکی از نشانه های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت ها و تمایز هاست شناخت تمایزها و تفاوت های اشیا این امکان را به انسان می دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده های مختلف بکند؛ مثلاً اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ ظرف غذا می رویم. این عمل به ما می فهماند که ما در تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نکرده ایم.

۴- شناخت تجربی را تعریف کنید.

عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته های حسی می تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. این نوع شناخت را که عقل با همکاری حس به دست می آورد. «شناخت تجربی» می گوئیم.

۵- شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم نیز استوار است؟ آن ها را بنویسید.

برخی از این قواعد عبارت اند از :

۱- پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند، بلکه هر پدیده ای نیازمند علت است .

۲- هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی آید ..

۳- طبیعت، همواره یکسان عمل می کند . به طور مثال، آب، همواره خواص خود را دارد و این گونه نیست که یک روز فلان خاصیت را داشته باشد و روز دیگر نداشته باشد.

۶- از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد چه کسی بود؟

ارسطو

۷- توضیحات و نظرات ابن سینا پیرامون قانون علیت را بنویسید.

ابن سینا توضیح داد که قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی آید، بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه ای است . این قانون، یکی از قواعد اولیه تعقل است که انسان در شناخت هر پدیده ای از آن استفاده می کند.

۸- نقش عقل در شناخت و معرفت انسان را بنویسید.

۱- نیروی عقل، علاوه بر استفاده از حواس بیرونی، مانند چشم و گوش، می تواند حالات درونی نفس مانند شادی، درد، محبت، دشمنی، عصبانیت و خوشحالی را شناسایی کند و درباره آنها نظر دهد . مثلاً انسان می تواند به کمک عقل خود، علل پیدایش شادی و افسردگی را کشف کند و درباره آنها توضیح دهد.

۲- عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با تفکر و چینش استدلال، به حقایق برسد و دانش هایی را پایه گذاری کند. این قدرت و توانایی عقل، به انسان امکان می دهد تا یافته هایی سودمند درباره کل هستی، که امکان درک تجربی آن هیچ گاه وجود ندارد، به دست بیاورد و این یافته های عقلانی را اساس سایر دانش ها قرار دهد و پایه های زندگی خود را بر آنها استوار سازد.

۹- شناخت عقلی را تعریف کنید.

عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً با تفکر و چینش استدلال، به حقایق برسد و دانش هایی را پایه گذاری کند . به این قبیل دانش ها «شناخت عقلی» می گوئیم . بسیاری از دانستنی های ریاضی از این قبیل هستند.

۱۰- دانستنی های دانش فلسفه از چه طریقی به دست می آید؟

فلسفه نیز همین گونه است . دانستنی های این دانش از طریق حواس و تجربه به دست نمی آیند؛ بلکه فقط از طریق تعقل محض می توان به آنها رسید . مثلاً ذات و صفات خداوند را نمی توان با حس و تجربه درک کرد و شناخت آنها مستلزم بهره گیری از قواعد شناخت عقلی است.

۱۱- معرفت شهودی را تعریف کنید.

«قلب» یا «دل» یکی دیگر از ابزارهای معرفت انسان است که می تواند بی واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند . معرفتی که از این طریق به دست می «معرفت شهودی» نامیده می شود.

۱۲- معرفت شهودی از چه طریقی حاصل می شود؟

این معرفت از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود. معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است؛ یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی می کند. البته همان طور که گفتیم، برای دریافت چنین معرفتی سیر و سلوک و تهذیب نفس ضروری است.

۱۳- چرا به معرفت قلبی معرفت شهودی نیز می گویند؟

این گونه شناخت را بدان جهت شهودی می گویند که قلب انسان حقیقت را چنان درمی یابد که گویا با چشم می بیند. عارف و سالک الی الله ممکن است بتواند در همین دنیا، آخرت را مشاهده کند. علاوه بر عالم طبیعت، سایر عوالم را مشاهده نماید و وجود فرشتگان را هم واقعا بیابد. این قبیل مشاهدات، از نوع شهود قلبی است و از راه چشم به دست نمی آید.

۱۴- این شعر حافظ از کدام ابزار شناخت حکایت می کند؟

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
ببخود از شعلۀ پرتو ذاتم کردند
باده از جام تجلی صفاتم دادند.

معرفت قلبی و شهودی

۱۵- معارف و حیانی را تعریف کنید.

یکی از شهودهای قلبی وحی الهی است. این شهود ویژه پیامبران است و خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می دهد که به آن «معارف و حیانی» می گویند.

۱۶- برترین شهود و ابزار شناخت چیست؟ ویژه چه کسانی است؟ یک نمونه مهم برای آن بنویسید. ما چگونه می توانیم از قرآن استفاده کنیم؟

وحی الهی — ویژه پیامبران است. نمونه مهم برای آن قرآن کریم است. ما با تأمل و تدبر در قرآن و به میزان توانایی و همت خود می توانیم از بسیاری از حقایق آگاه شویم.

عبارت های زیر را با دقت بخوانید. آیا با جمله های صفحه قبل موافقت می کنید؟ صرف نظر از اینکه با این گزاره ها موافق هستید یا مخالف، فکر می کنید گویندگان این جمله ها با چه ابزاری به آنها پی برده و آنها را پذیرفته اند؟ هر یک از این گزاره ها مربوط به چه حوزه هایی از دانش بشر می شود؟

۱- سرنوشت هرکس در گرو عملی است که خود انجام داده است.

۲- تاریخ بشر با حوادث تلخ و ناگوار فراوانی آمیخته است.

۳- یکی از فرشتگان الهی جبرئیل است که آوردن وحی بر پیامبران را بر عهده دارد.

۴- زمین علاوه بر حرکتی که به دور خود و به دور خورشید دارد، حرکتی هم همراه با منظومه شمسی در کهکشان دارد.

۵- انسانی که واقعا خدا را مقصود خود قرار بدهد، اعمالش در جهت رسیدن به او خواهد بود.

۶- جهان برای برخی انسان ها حکم قفس را دارد.

گزاره اول، بیانگر قدرت اختیار در انسان است، یعنی یک گزاره انسان شناختی است.

گزاره دوم، یک گزاره در حوزه تاریخ بشر و حوادثی است که بر او گذشته است.

گزاره سوم، یک گزاره درباره جهان غیب و ماوراءالطبیعه است.

گزاره چهارم، یک گزاره علمی در حوزه فیزیک و علوم طبیعی است.

گزاره پنجم، یک گزاره اعتقادی و تأثیر اعتقاد بر عمل است.

گزاره ششم، یک گزاره عرفانی و اخلاقی شمرده می شود.

در اینجا ممکن است دانش آموزان میان دو دسته ابزار تفاوت قائل نشوند: دسته اول، ابزارهایی است که خداوند

برای شناخت در وجود ما قرار داده، مانند حس و عقل. دسته دوم ابزارهایی که بشر می سازد مانند میکروسکوپ، رصدخانه، دماسنج و نظایر آن. حتی ممکن است که از نظر یک دانش آموز کتاب های تاریخی هم یک ابزار شناخت محسوب شود؛ مثلاً بگوید که جمله دوم از طریق مطالعه کتاب های تاریخی به دست آمده است. اما می دانیم که کتاب های تاریخ محل ثبت مشاهدات و تجربه های یک مورخ یا چند مورخ است که بی واسطه یا با واسطه حوادثی را مشاهده کرده اند و در کتاب های خود ثبت کرده اند؛ یعنی از طریق حس به آن حوادث پی برده اند. یا ممکن است درباره گزاره سوم، دانش آموزان بگویند که ما به وجود فرشتگان از طریق پیامبر پی برده ایم و پیامبر را یک ابزار شناخت معرفی کنند، در حالی که می دانیم پیامبر از ابزاری به نام وحی در وجود خود بهره مند بوده و وحی واقعاً یک ابزار شناخت است.

بررسی

گاهی ما در هنگام استفاده از حواس دچار خطا می شویم؛ مثلاً ممکن است چوب را داخل آب، شکسته ببینیم یا یک ساختمان بزرگ را، از فاصله دور، کوچک بپنداریم. آیا چنین پیشامدهایی سبب سلب اعتماد ما از حواس می شود؟ چرا؟

پاسخ سؤال معمولاً منفی است، زیرا برای همه دانش آموزان خطای در حواس رخ داده، اما باز هم از حواس استفاده می کنند. کسی نیست که به علت چند بار اشتباه در دیدن، دیگر از چشم خود استفاده نکند. او حتی برای پی بردن به خطای خود باز هم از همین حواس استفاده می کند. به عبارت دیگر: هرکس می داند که ساختار دستگاه حواس ما و ادراک مربوط به حواس ما یک ساختار درست دارد و پیش آمدن خطا مربوط به ساختار دستگاه نیست.

برای اینکه به خطای خود در این موارد پی ببریم، باید از چه ابزاری استفاده کنیم؟ آیا باز هم باید از حواس کمک بگیریم؟

حواس -بله

آیا اینکه انسان می تواند متوجه خطای خود شود، می تواند دلیلی بر توانایی حواس برای شناخت اشیا باشد؟

خیر زیرا هرکس می داند که ساختار دستگاه حواس ما و ادراک مربوط به حواس ما یک ساختار درست دارد و پیش آمدن خطا مربوط به ساختار دستگاه نیست.

بیان نمونه *

آیا می توانید نمونه های دیگری از ویژگی ها و حالات نفس را مثال بزنید که انسان ابتدا آن را در خود یافته و سپس در موجودات دیگر مشاهده کرده است؟

۱- محبت و دشمنی ۲- استدلال کردن ۳- شادی و غم ۴- اخلاق و ویژگی های اخلاقی مانند ترس و شجاعت ۵- رابطه علیت میان اراده انسان و افعال او ۶- احساس شک و تردید در برخی امور

بررسی

آیا در علمی که از راه استدلال عقلی محض به دست می آیند، امکان خطا و اشتباه وجود دارد؟ با توجه به آنچه در منطق، درباره استدلال آموخته اید، در این باره توضیح دهید.

۱- اشتباه فقط در بدیهیات راه ندارد، مانند اجتماع نقیضین محال است.

۲- در استدلال تجربی که از حس کمک می گیریم امکان خطا هست که با تلاش و کوشش علمی و دقت در آزمایش ها و تجربه ها آن را کم می کنیم.

۳- در استدلال عقلی محض، چه در ریاضیات و چه در فلسفه امکان خطا وجود دارد. این خطا می تواند از ناحیه ماده باشد و می تواند از ناحیه صورت، یعنی شکل استدلال باشد. هر دو شکل خطا قابل تشخیص و رفع شدن است.

مقایسه

با اینکه «معرفت وحیانی» و «شهود و اشراق عارفانه» قرابت و نزدیکی هایی با هم دارند، اما تفاوت هایی اساسی نیز میان آنها وجود دارد. یکی از تفاوت های این دو شیوه شناخت را در جدول زیر می بینید. آیا می توانید موارد دیگری نیز به این فهرست اضافه کنید؟

معرفت وحیانی	شهود عارفانه
۱- معرفت وحیانی از جانب خدا نازل شده است.	۱- شهود عارفانه مشاهده قلبی خود عارف است.
۲- در انتقال وحی به مردم اشتباهی رخ نمی دهد.	۲- ممکن است که یک عارف در بیان شهود خود دچار اشتباه شود.
۳- هدف وحی هدایت مردم است.	۳- در شهود عارفانه لزوماً چنین هدفی وجود ندارد.
۴- وحی فقط به کسی می شود که ویژگی های لازم نبوت را دارد.	

۴- شهود، برای هر کسی که خالصانه به تزکیه نفس بپردازد رخ می دهد.

➤ به کار بندیم*

۱- وقتی ماه را در آسمان مشاهده می کنیم، آن را به اندازه یک توپ فوتبال می بینیم، در حالی که می دانیم قطر ماه حدود 3500 کیلومتر است. آیا به نظر شما، این اتفاق می تواند نمونه ای از خطای حواس به شمار بیاید؟ اصولاً فاصله چه تأثیری در کوچک و بزرگی اشیا دارد؟

این سؤال مربوط به امکان اشتباه حواس است. به لحاظ علمی میان بزرگی و کوچکی شیء در هنگام دیدن و میزان فاصله آن رابطه است که خود این رابطه توسط حس و تجربه شناخته شده است. لذا اگر کسی جسمی را که در دور دست است به همان اندازه ای ببیند که در نزدیک است، در اینجا خطا رخ داده و باید علت آن مشخص گردد.

۲- حیوانات نیز مانند انسان ادراک حسی دارند حتی در برخی از حواس از انسان ها نیز قوی تر هستند، اما شناخت حسی و تجربی آنها از جهان پیرامونی با شناخت انسان قابل مقایسه نیست. به نظر شما دلیل این میزان تفاوت میان شناخت حسی انسان و حیوان چیست؟

این سؤال درباره تفاوت در شناخت حسی است. هر قدر که حس قوی تر باشد، شناخت بیشتری را حاصل می کند، مثلاً بینایی قوی تر، شیء ریزتری را که دیگری توانایی مشاهده آن را ندارد، مشاهده می کند. همچنین موجودی یا انسانی یا حیوانی که حس بینایی را ندارد، نمی تواند رنگ اشیا را بشناسد و از این معرفت بی بهره است. حال، ممکن است حیوانی وجود داشته باشد که بتواند برخی امواج مغناطیسی یا حتی امواجی را که هم اکنون برای بشر ناشناخته است، بشناسد. همه این موارد نشان دهنده آن است که دایره و محدوده شناخت حسی در افراد متفاوت است و این، به معنی عدم امکان معرفت حسی نیست.

۳- برخی از فیلسوفان اعتقاد دارند شناخت و معرفت فقط در حوزه تجربه امکان پذیر است. به نظر شما آیا می توان نظر این فیلسوفان را از طریق تجربه اثبات کرد؟ نظر خود را با دلیل بیان کنید.

فیلسوفانی که اعتقاد دارند شناخت و معرفت فقط در حوزه تجربه امکان پذیر است مجاز به دادن حکم که ناظر به حوزه فراتر از تجربه باشد نیستند، درحالی که این گزاره یعنی «شناخت و معرفت فقط در حوزه تجربه امکان پذیر است.» خود از تجربه به دست نیامده و نمی توان صحت و سقم آن را از طریق تجربه اثبات و یا رد کرد. پس این سخن در دل خود تناقض دارد و قابل پذیرش نیست.

۴- آیا می توان با تجربه، آنچه را که در عالم وجود دارد، شناخت؟ با هم کلاسی های خود مباحثه کنید.

با تجربه و استدلال تجربی فقط می توان در عالم طبیعت شناخت حاصل کرد. با توجه به اینکه عالم وجود در عالم طبیعت خلاصه نمی شود و بخش اعظم عالم وجود به عوالم فراتر از طبیعت تعلق دارد لذا نمی توان با تجربه تمام عوالم وجود را شناخت بنابراین عوالم فراتر از تجربه را باید با راه های دیگر از جمله با تعقل و استدلال عقلی شناخت.

۵- با توجه به تنوع ابزارهای شناخت، درباره افراد زیر نظر دهید و بگویید که با چه اشکالاتی روبه رو می شوند؟

۱- کسی که معتقد است تنها ابزار شناخت حس است و فقط معرفت تجربی اعتبار دارد.

کسی که معتقد است تنها ابزار شناخت، حس است و فقط معرفت تجربی اعتبار دارد، خود را از شناخت عوالم بالاتر محروم کرده است زیرا با ابزار حس به فراتر از عالم تجربه نمی توان دست یافت.

۲- کسی که معتقد است تنها ابزار شناخت عقل است و فقط معرفت عقلی محض اعتبار دارد.

کسی که معتقد است تنها ابزار شناخت عقل است و فقط معرفت عقلی محض اعتبار دارد سخت در اشتباه است زیرا نمی داند که تمام تصورات عقلیه که اموری انتزاعی هستند از معانی حسیه انتزاع شده اند؛ یعنی معقولات مسبوق به ادراکات جزئیة حسیه اند و کسی که برخی حواس را نداشته باشد برخی دانش ها را نیز نخواهد داشت به عبارت دیگر اگر فرض شود انسانی از کلیه حواس بی بهره باشد، از علوم نیز بی بهره خواهد بود. پس منشأ اصلی ادراکات حواس است که در انسان وجود دارد.

۳- کسی که معتقد است تنها ابزار شناخت قلب است و فقط شهود قلبی اعتبار دارد.

انسان علاوه بر شناخت های حسی و شناخت های عقلی، یک سلسله شناخت هایی را در وجود خود می یابد که نه قوه حس می تواند این شناخت ها را تولید کند و نه قوه عقل، بلکه این شناخت نوعی تجربه درونی است که جز خود شخص از آن گاه نیست، مانند عشق و علاقه ای که انسان به فرزند خود دارد. از آنجایی که این نوع شناخت قابل انتقال به دیگران نیست اگر فرد بخواهد معرفت قلبی خود را ذیل علم قرار دهد و دیگران را در آن سهیم نماید باید به زبان فلسفی و استدلالی بیان کند. لذا کسی که تنها ابزار شناخت را قلب می داند هم خود را از دیگر معارف محروم و هم دیگران را از معرفت خودش محروم کرده است.

۴- کسی که معتقد است تنها شهود و حیانی قابل اعتبار است.

کسی که معتقد است تنها شهود و حیانی قابل اعتبار است، باید در دیدگاه خود تجدیدنظر کند زیرا آیات قرآن که پیامبر از طریق شهود و حیانی آنها را دریافت کرده است، انسان را مرتب به تفکر و تعقل دعوت می نماید؛ یعنی لازمه شهود و حیانی معرفت عقلانی است. لذا کسی که تنها شهود و حیانی را معتبر بداند به طور ضمنی معرفت عقلانی را نیز معتبر دانسته است.